

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یونس نگاه

۰۹ فبروری ۲۰۲۳



یونس نگاه

سیاهچال امارت غیررسمی

رسمیت اداره طالبان، حتا با تعدیلات و عقب‌نشینی‌های تاکتیکی چون بازگشائی مکاتب دخترانه و اشتراک تعدادی از چهره‌های معامله‌گر و تیکه‌داران سیاسی، کابوسی بوده که ذهن خیلی از وطن‌داران را از آغاز برگشت طالبان به قدرت مشغول داشته است. در اوایل شعار «امارت طالبان را به رسمیت نشناسید» ورد زبان کسانی بود که می‌دانستند استقرار نظام طالبانی با هر عنوان و شکلی، عقب‌گرد جبران‌ناپذیر خواهد بود و بازگشت کشور را به مسیر صلح و توسعه بسیار به تأخیر خواهد انداخت. اتفاقات چند سالی که به سقوط جمهوری اسلامی و برگشت طالبان به قدرت منجر شد، این ترس را به جود آورده بود که کشورهای منطقه و قدرت‌های جهان به تشکیل امارت طالبان توافق کرده‌اند و دیر یا زود آن را به رسمیت خواهند شناخت. برای بسیاری تنها آرزو، این مانده بود که طالبان، طوری که لابی‌ها تبلیغ می‌کردند، از شکست دوره قبل و رویارویی با واقعیت‌های بیست سال اخیر آن‌قدر آموخته باشند که به ساختن دولت محافظه‌کار اما قانونی تن دهند و برای کشاندن کشور به اواخر دهه ۱۹۹۰ میلادی کمر نیندند. اما طالبان راهی را رفتند که بلد بودند و ظرفیت درونی آن گروه حکم می‌کرد.

یکونیم سال امارت غیررسمی طالبان کشور را به سیاهچالی بدل کرده که کمتر از امارت رسمی ترسناک نیست. طالبان هر روز عرصه را بر مردم تنگتر کرده و تمام دارائی‌ها و امکانات ملی را به خدمت استحکام نظامی گماشته‌اند که هدفش ایجاد کار، رفاه، تعلیم و آرامش مردم نیست، بلکه پی‌گیری جنگ بی‌پایان تا «فتح» کامل جهان است، و برای این هدف باید تمام ساکنان کشور آماده قربانی شوند. عدم رسمیت از نوعی که حالا جریان دارد، فرصتی کمیاب برای آنانی شده که تصور می‌کنند افغانستان را «فتح» کرده‌اند و حالا مأموریت دارند تا پاکستان، آسیای میانه و بسیار جاهای دیگر را نیز «فتح» کنند. آنان نظام بین‌الملل را به رسمیت نمی‌شناسند و حمایت‌های تسلیحاتی و مالی را که از کشورهای دیگر به دست می‌آورده‌اند، یاری خداوند و غنیمت می‌شمارند. داشتن امارت غیررسمی که به هیچ

قاعده و عرفی پایبند نباشد و اقدامات ضد بشری‌اش جز واکنش‌های مطبوعاتی هزینه‌ای نداشته باشد، برای آنان حالت ایده‌آل است.

در سوی دیگر، بازیگران منطقه و جهان که از نفوذ هم‌دیگر در افغانستان نگران‌اند، این بلاتکلیفی را فرصت می‌دانند تا مانع افزایش نفوذ حریفان گردند و در آینده افغانستان نقش بارزتر به دست آورند. امریکا احتمال غلبیدن افغانستان به دامن چین و روسیه را بدتر از وضعیت کنونی می‌داند و حریفان آن کشور ایجاد هر گونه نظم به ابتکار امریکا و هم‌پیمانانش را بدترین سناریو می‌خوانند. طالبان در میدان حاصل از رقابت خریداران متخصصش، از امارت «خداداد» لذت می‌برند.

این وضعیت میان مخالفان طالب نیز سردرگمی و بلاتکلیفی خلق کرده است. امید به گشایش احتمالی و افزایش فشارهای بین‌المللی، مانع تحرک جدی بین سیاستمداران غیرطالب گشته و آنان چشم به راه روزی نشسته‌اند که گروه طالبان به میز مذاکره برگردد و به ایجاد حکومت «همه‌شمول» گردن نهد. هزینه این بلاتکلیفی و نبود دولت، هر روز بیشتر می‌شود. جز تندروان جهادی و آنانی که از این فرصت برای تجدید قواء، مذاکره و اتحاد تروریستی، سربازگیری و برنامه‌ریزی استفاده می‌کنند، دیگران همه به زیان‌اند. مردم افغانستان که در سیاهچال امارت غیررسمی گروگان گرفته شده‌اند، متضرران اصلی‌اند. گرسنگی و قحطی سراسری، آرامش جسمی و حیات میلیون‌ها انسان را با خطر مواجه کرده است و سرکوب و محدودیت‌های ویرانگر، خوره هر روزه روان اقشار مختلف، به‌خصوص دختران و زنان شده است. سیاستمداران غیرطالب و همه آنانی که در ساختن حکومت ملی و نجات کشور از چنگ تروریسم احساس مسئولیت می‌کنند، در این بلاتکلیفی نیرو و زمان را از دست می‌دهند. جامعه جهانی، به‌خصوص کشورهای منطقه، با تماشای تنور تروریسم در افغانستان احتمال آتش گرفتن دامن خود را افزایش می‌دهند.